

چالش‌های ارزیابی کیفرهای اجتماع‌محور

محمد فرجیها^۱

چکیده

میزان تکرار جرم و محکومیت دوباره همواره به عنوان یکی از اصلی‌ترین معیارهای سنجش میزان اثربخشی کیفرهای اجتماع‌محور تلقی شده است. اما امروزه این معیار به دلیل ضعف‌ها و نارسایی‌های فنی و روش‌شناختی شاخصی دقیق و علمی برای ارزیابی کیفرهای اجتماع‌محور به نظر نمی‌رسد. نادیده انگاشتن اهداف چندگانه کیفر، ابهام‌های موجود در معیار محکومیت دوباره، یکسان تلقی کردن محکومیت دوباره با تکرار جرم، برابر انگاشتن شدت کلیه جرم‌ها و...، از مهم‌ترین انتقادهای وارد بر این شاخص محسوب می‌شود. ارزیابی همه‌جانبه و علمی کیفرهای اجتماع‌محور مستلزم بهره‌گیری از طرح‌های تحقیقاتی با ماهیتی کثرت‌گراست. این‌گونه طرح‌های ارزیابی دغدغه‌ها و ملاحظات تمام کنشگران و سهام‌داران عدالت کیفری را مورد توجه قرار می‌دهد. تمرکز روی کردهای کثرت‌گرا به نتایج اجرای طرح محدود نمی‌شود بلکه علل و عوامل اثربخشی یا فقدان اثربخشی و بسترها و شرایط موفقیت و ناکامی را به طور دقیق تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی

کیفرهای اجتماع‌محور، محکومیت دوباره، شاخص‌های ارزیابی، اهداف کیفر، ارزیابی

اثربخشی، ارزیابی فرایند

مقدمه

از اواسط دهه هشتاد میلادی، واژه‌های «کارایی»، «اثربخشی» و «هزینه-فایده» به تدریج به حوزه عدالت کیفری راه پیدا کردند. نهادهای عدالت کیفری مانند پلیس، دادگاه و زندان برای ارائه نتایج بهتر تحت فشار قرار گرفتند و تأمین بودجه و امکانات مورد نیاز آنها بدون ارائه اطلاعات مربوط به میزان اثربخشی با محدودیت‌هایی روبه‌رو شد.

به موازات تحولاتی که در حوزه مطالعه اثربخشی به وجود آمد، واژه ارزیابی بیش‌تر از گذشته مورد استفاده قرار گرفت و به یکی از دغدغه‌های اصلی محافل علمی و اجرائی تبدیل شد. بر این اساس، ادبیات علوم جنائی تجربی از دهه هشتاد به بعد، نقطه آغاز مطالعات و تحقیقاتی شد که هدف اصلی آن ارزیابی و سنجش میزان اثربخشی بود.

ارزیابی را باید متفاوت از یک مطالعه محض تلقی کرد، گرچه در عمل به سختی می‌توان تفاوتی میان این دو قائل شد. تحقیقات می‌تواند ارزیابی‌کننده باشد و ارزیابی نیز مستلزم انجام مطالعه و تحقیق است. ارزیابی به مفهوم سنجش میزان موفقیت و شکست و نیز اندازه‌گیری چگونگی دستیابی یا عدم دستیابی به اهداف یک برنامه یا اقدام به کار برده می‌شود (۱).

اثربخشی نیز مفهومی پیچیده و دشوار است. سال‌هاست که محکومیت دوباره به‌رغم همه محدودیت‌ها معیاری برای اندازه‌گیری میزان اثربخشی احکام کیفری صادره از دادگاه‌ها تلقی می‌شود. پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا این معیار شاخص دقیقی برای اندازه‌گیری میزان اثربخشی است؟ آیا می‌توان معیارهای دیگری را در کنار این معیار برای سنجش میزان اثربخشی به کار گرفت؟ آیا امکان ترکیب شاخص‌های مختلف برای اندازه‌گیری دقیق میزان اثربخشی یک کیفر وجود دارد؟

اهمیت ارزیابی وقتی که در حوزه‌های مختلف عدالت کیفری و از جمله کیفرهای

اجتماع‌محور مطرح می‌شود معنا و مفهوم پیدا می‌کند. فراتحلیل‌های^۱ انجام شده بیانگر آن است که اصلاح و درمان مجرمان در اجتماع منجر به کاهش میزان تکرار جرم در میان محکومان به کیفرهای اجتماع‌محور (در مقایسه با محکومان به کیفر حبس) شده است (۱۱).

البته، روش فراتحلیل یک شیوه آماری دقیق — آن چنان که برخی از پژوهش‌گران جرم‌شناسی می‌پندارند — نیست. زیرا این روش دقیقاً مشخص نمی‌کند که کدام روش اصلاحی- تربیتی نسبت به چه مجرمانی با چه کیفیتی باید اجرا شود. همچنین، مطالعات مبتنی بر فراتحلیل ساختارهای مورد نیاز جهت اجرای برنامه‌ها، ترکیب کارکنان، سطح آموزش، و نیز منابع لازم جهت دستیابی به اهداف طرح را مورد توجه قرار نمی‌دهد. البته، این روش برای تعیین جهت‌گیری برنامه‌های اصلاحی- تربیتی و معرفی روش‌های نویدبخش بسیار سودمند و مفید است.

۱۵

از این دیدگاه، ارزیابی میزان اثربخشی کیفرهای اجتماع‌محور بسیار حیاتی و مهم تلقی می‌شود. اگر برنامه‌ها و طرح‌های ارزیابی به دقت طراحی نشده و با کیفیت لازم به مرحله اجرا در نیاید و شاخص‌های اثربخشی به خوبی تعریف نشود، بازگشت دوباره به دوره ناامیدی از اقدامات و تدابیر اصلاحی- تربیتی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

با این حال، تعیین شاخص‌های اجرایی برای اندازه‌گیری میزان اثربخشی همواره با مشکلات و ابهام‌های زیادی روبه‌رو بوده است. شاخص‌های اجرایی در واقع ابزارهایی برای رسیدن به هدف — و نه خود هدف — تلقی می‌شوند. این شاخص‌ها نیازمند تفسیر دقیق و شفاف هستند و لزوماً میزان موفقیت یک سازمان و نهاد را در اجرای برنامه‌ها نشان نمی‌دهند (۳).

به نظر می‌رسد ارزیابی میزان اثربخشی کیفرهای اجتماع‌محور با دو چالش اساسی روبه‌رو است: نخست، انتظار سهام‌داران عدالت‌گیری و به‌ویژه نهادهای

مسئول تدوین و اجرای کیفی‌های اجتماع‌محور برای رسیدن به راه‌حل سریع و آسان و دوم، نگرانی نهادهای مجری طرح از نتایج ارزیابی. در مورد چالش اول، گزارش بسیاری از مطالعات انجام شده در مورد نتایج کیفی‌های اجتماع‌محور مانند خدمات اجتماع‌محور و تعلیق مراقبتی در دهه‌های اخیر حاکی از آن است که این پاسخ‌ها به سهولت و سرعت سنجش‌پذیر نیستند. چگونگی رفتار با مجرمان در اجتماع کار دشوار و پیچیده‌ای است و افسران تعلیق مراقبتی و مددکاران اجتماعی که با مجرمان سروکار دارند در عمل با انواع مشکلات و معضلات اجتماعی روبه‌رو می‌شوند که به سهولت قابل رفع نیست. تغییر و تحول مستمر در روش‌های نظارت بر محکومان به کیفی‌های اجتماع‌محور، کوتاه مدت بودن برنامه‌های تحقیقاتی، و نیز بی‌ثباتی در گرایش و علاقه پژوهشگران به موضوع ارزیابی دستیابی به راه‌حل‌های ساده برای حل معضل بزه‌کاری از طریق کیفی‌های اجتماع‌محور را با پیچیدگی‌هایی روبه‌رو ساخته است. از این‌رو، دستیابی به کیفی‌های اجتماع‌محور اثربخش، مستلزم صرف زمان و بودجه مناسب برای مطالعه و پژوهش علمی در این زمینه و پرهیز از ساده‌سازی موضوع برای رسیدن به راه‌حل‌های قطعی و ساده است.

در مورد چالش دوم، یعنی نگرانی از نتایج ارزیابی، وقتی سازمان از جهت میزان موفقیت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، آن سازمان علاقه‌مند است که عملکردش مثبت ارزیابی شود و هرگونه پژوهش علمی مستقل که میزان موفقیت آن سازمان را زیر سؤال ببرد؛ حساسیت و نگرانی مدیران آن سازمان را برمی‌انگیزد. چنانچه مسأله بودجه و امکانات هزینه‌شده برای اجرای برنامه مطرح باشد این حساسیت و نگرانی بیش‌تر خواهد بود. اگر نهاد مورد ارزیابی احساس کند که ارزیابی بهانه‌ای برای تضعیف یا انتقاد از آن سازمان است، بدیهی است واکنش‌های دفاعی شدیدتری از خود نشان خواهد داد.

در این شرایط، انجام پژوهش‌ها و ارزیابی‌های علمی از میزان اثربخشی نهادهای حقوق کیفری تقریباً امکان‌ناپذیر است. پیش‌شرط اجرای موفق

برنامه‌های ارزیابی حذف یا حداقل کاهش فشار سیاسی ناشی از شکست احتمالی اجرای طرح است. تمرکز برنامه‌های ارزیابی باید بیش‌تر بر شناخت دلایل ناکامی در دستیابی به اهداف طرح و مساعدت به نهاد مذکور برای رفع این عوامل و موانع باشد تا استفاده ابزاری و سوءبرداشتهای سیاسی و حزبی از آن. این مقاله درصدد تشریح مفهوم و قلمرو ارزیابی و میزان اثربخشی نیست، بلکه در پی بررسی چالش‌های ارزیابی کیفی‌های اجتماع‌محور در دهه‌های هشتاد و نود با تأکید بر نقد محکومیت دوباره به عنوان شاخص ارزیابی و نیز ضرورت و اهمیت روی‌کرد ارزیابی کثرت‌گرا به کیفر اجتماع‌محور است.

۱. محدودیت‌های محکومیت دوباره به عنوان شاخص ارزیابی

میزان تکرار جرم و محکومیت دوباره همواره به عنوان یکی از اصلی‌ترین معیارهای سنجش میزان اثربخشی کیفرها تلقی شده است. نتیجه‌گیری آقای مارتینسون و همکارانش در مورد بیش از دویست برنامه اصلاح و تربیت مجرمان مبنی بر اینکه «هیچ چیز مؤثر واقع نمی‌شود» بر این شاخص استوار بود. (۴). اما امروزه این معیار به عنوان یک شاخص فنی و دقیق برای ارزیابی نظام ضمانت اجراهای کیفری کافی به نظر نمی‌رسد. ارزیابی‌های انجام شده براساس این معیار انتقادهایی را در پی داشته است (۷). مهم‌ترین عوامل فنی و روش‌شناختی که استفاده از این معیار برای ارزیابی میزان اثربخشی کیفرهای اجتماع‌محور را انتقادپذیر می‌سازند عبارت‌اند از:

الف. نادیده انگاشتن اهداف چندگانه تعیین کیفر

دادگاه‌ها هنگام تعیین کیفر برای مجرمان اهداف گوناگونی را دنبال می‌کنند که منصرف کردن محکوم از ارتکاب دوباره جرم تنها یکی از آن اهداف محسوب می‌شود. سزادهی، ناتوان‌سازی، ترمیم و جبران خسارت‌های وارد شده، از دیگر هدف‌های تعیین کیفر برای مجرم است. معیار محکومیت دوباره نمی‌تواند

شاخصی برای اندازه‌گیری و سنجش میزان دستیابی به این اهداف باشد. از دیدگاه آقای مالتر هدف‌های اصلاحی و تربیتی را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی کرد: ۱. مجرمان؛ ۲. جامعه؛ ۳. نهادهای مسؤول اصلاح و تربیت. از دیدگاه وی، محکومیت دوباره نمی‌تواند برای اندازه‌گیری هدف‌های گروه دوم و سوم و تمام هدف‌های گروه اول به کار گرفته شود (۱۳). با این اهداف چندگانه به‌نظر می‌رسد استفاده از یک معیار مشخص که نمی‌تواند تمام ابعاد و زوایای مختلف را پوشش دهد، و معیار محکومیت دوباره در واقع به مغفول ماندن سایر هدف‌ها منجر خواهد شد.

ب. ابهام در معیار محکومیت دوباره

نخستین پرسشی که در مورد این شاخص مطرح می‌شود محدوده و قلمرو آن است. بدیهی است که نظام‌های کیفری مختلف ممکن است برداشت‌ها و تفسیرهای گوناگونی از مفهوم محکومیت دوباره داشته باشند و بر اساس آن نظام آماری خود را پایه‌ریزی و طراحی کنند. بنا بر این، نتایج پژوهش در مورد میزان اثربخشی یک کیفر منوط به این است که کدام یک از تعاریف محکومیت دوباره (مانند: دستگیری توسط پلیس، تخلف از مقررات آزادی مشروط یا تعلیق مراقبتی، محکومیت دوباره به همان کیفر پیشین، تعداد یا شدت جرم‌های ارتكابی و صدور حکم محکومیت کیفری در دادگاه‌های بدوی یا تجدیدنظر) مبنای آن تحقیق قرار گیرد. این ابهام در مورد نظام‌های عدالت کیفری مانند ایران که دارای بایگانی جنائی و سجل قضائی معتبری نیستند، و فرایند قطعیت احکام کیفری در آنها بسیار پیچیده و مبهم است بیش‌تر به چشم می‌خورد.

ج. یکسان انگاشتن محکومیت دوباره با تکرار جرم

تمام محکومانی که پس از اجرای حکم دوباره مرتکب جرم می‌شوند، شناسایی، دستگیر، محاکمه و مجازات نمی‌شوند. پیمایش‌های انجام شده در انگلستان

نشان داده است که از هر صد جرم ارتكابی تنها دو مورد منجر به صدور حکم محکومیت کیفری می‌شود (۷۳: ۱۸). مطالعات مبتنی بر نظرسنجی از بزهدیدگان نشان می‌دهد که درصد بالایی از جرائم در کشورهای در حال توسعه به دلیل بی‌اعتمادی بزهدیدگان به عمل کرد نظام عدالت کیفری به مراجع ذی‌ربط گزارش نمی‌شوند (۱۶). براساس یافته‌های این پژوهش‌ها، میزان عدم گزارش جرم، از متغیرهای گوناگون مانند نوع و اهمیت جرم ارتكابی تأثیر می‌پذیرد. شیوه‌های مورد استفاده برای دستیابی به میزان واقعی جرائم هرچند بخشی از رقم سیاه جرائم را آشکار می‌سازد اما تصویر کامل و جامعی از میزان بزهدی‌کاری به‌دست نمی‌دهد. بنا بر این، به‌کارگیری شاخص محکومیت دوباره و یکی انگاشتن آن با تکرار جرم باعث می‌شود که میزان اثربخشی کیفرها بسیار بیش‌تر از آنچه در عمل رخ داده است، نشان داده شود.

د. ابهام در الگوی زمانی مورد مطالعه

یکی از پرسش‌های اساسی در مورد شاخص محکومیت دوباره طول مدت زمان مورد مطالعه برای محکومیت دوباره است و اینکه آیا تمام جرائم از الگوی زمانی واحدی تبعیت می‌کنند؟ بدیهی است که هر چه طول مدت زمان مورد مطالعه بیش‌تر باشد، احتمال ارتكاب جرم و محکومیت دوباره مجرم بیش‌تر خواهد بود. الگوی زمانی رایج برای مطالعه محکومیت دوباره معمولاً دو سال است. با وجود این، پژوهش‌گران در مورد برخی از مجرمان، مانند سارقان، شش ماه و یک سال را کافی می‌دانند. اما در مورد مرتکبان جرائم جنسی به دلیل الگوهای خاص ارتكاب این دسته جرائم مدت زمان مورد مطالعه ممکن است یک دوره پنج‌ساله پس از پایان محکومیت را شامل شود.

پرسش مهم دیگر به مسأله زمان آغاز شمارش محکومیت دوباره مربوط می‌شود. بی‌گمان، مبنای شمارش محکومیت دوباره برای مجرمی که به مجازات حبس محکوم شده است در مقایسه با مجرمی که به مجازات خدمات

اجتماع محور محکوم شده است یکسان نخواهد بود. زیرا تا زمانی که محکومیت به حبس پایان نیابد امکان ارتکاب جرم دوباره بسیار اندک خواهد بود، در حالی که در مورد کیفر خدمات اجتماع محور، فرد محکوم از ابتدای آغاز محکومیت امکان ارتکاب جرم را پیدا می کند. در مورد آزادی مشروط پاسخ گویی به این پرسش بسیار اهمیت دارد که آیا محکومیت دوباره بلافاصله پس از آزادی از زندان محاسبه می شود یا پس از پایان دوره آزادی توأم با مراقبت؟

هـ. بی توجهی به فاصله زمانی میان ارتکاب جرم و محکومیت

چنانچه محکومیت دوباره به ویژه محکومیت قطعی مبنای ارزیابی کیفیهای اجتماع محور قرار گیرد، مجرمانی که در طول دوره مورد مطالعه مرتکب جرم می شوند اما صدور حکم محکومیت آنها تا پس از دوره زمانی مذکور به طول می انجامد، در زمره مرتکبان جرم به شمار نخواهند آمد. از این رو، پذیرفتن این شاخص باعث می شود که میزان اثربخشی کیفیهای اجتماع محور امیدوارکننده تر از آنچه در واقعیت رخ داده است به نظر برسد. در مقابل، انتخاب معیار تکرار جرم به جای محکومیت دوباره نیز ممکن است میزان اثربخشی کیفیها را ناامیدکننده تر نشان دهد. این مشکل در نظام های دادرسی کیفری که به دلایل متعدد از معضل اطاله دادرسی رنج می برند، بیش تر به چشم می خورد. به علاوه، طول مدت زمان رسیدگی و صدور حکم محکومیت براساس جرم های ارتكابی متفاوت است. چنانچه جرم ارتكابی از نوع جرائم شدید و از درجه جنائی باشد، احتمال خارج شدن زمان صدور حکم محکومیت از دوره مورد مطالعه (معمولاً دو سال) بیش تر خواهد بود.

و. برابر انگاشتن شدت کلیه جرم های ارتكابی

براساس شاخص محکومیت دوباره بالا بودن آمار محکومیت به مثابه ناکامی کیفیهای اجتماع محور و پایین بودن تعداد محکومیت به منزله موفقیت آن است.

بر این اساس، تمامی محکومیت‌های دوباره از نظر شدت جرم ارتكابی دارای ارزش یکسان تلقی خواهد شد. در حالی که میان تکرار محکومیت مجرمی که پس از ارتكاب جرم سرقت جزئی از فروشگاه، برای بار دوم به دلیل ارتكاب سرقت از منزل محکوم می‌شود با مجرمی که پس از ارتكاب سرقت مسلحانه از منزل، بار دوم مرتکب سرقت جزئی از فروشگاه‌های بزرگ می‌شود باید قائل به تفکیک شد.

از دیدگاه کیفی‌شناسی، میزان اثربخشی یک کیفر زمانی که مجرم به طور متوسط سه تا چهار ماه پس از محکومیت جرم اول مرتکب جرم جدید می‌شود تا زمانی که مجرم پس از نه ماه از پایان محکومیت جرم اول مرتکب جرم می‌شود، یکسان نخواهد بود. بنا بر این، در مطالعات مبتنی بر محکومیت دوباره باید نوع جرم‌های ارتكابی و فاصله زمانی ارتكاب جرم دوم به عنوان یکی از شاخص‌های ارزیابی در نظر گرفته شود.

ز. تأثیر عمل‌کرد پلیس و نهادهای مسؤوّل تعقیب کیفری

علاوه بر محدودیت‌های پیش‌گفته، متغیرهای دیگری نیز بر میزان محکومیت دوباره تأثیرگذار اند که سنجش و اندازه‌گیری آنها امر بسیار پیچیده‌ای است. اقدامات و فعالیت‌های پلیسی یکی از نمونه‌های آشکار تأثیرگذار بر میزان محکومیت دوباره است. توانایی واحدهای پلیسی برای کشف جرم و شناسایی و دستگیری مجرمان یکسان نیست و این متغیر سهم به‌سزایی در میزان محکومیت دوباره مجرمان در مناطق مختلف یک کشور دارد. کیفیت و کمیت گشت‌های پلیسی، برنامه‌های پلیسی نظارت بر مجرمان دارای پیشینه کیفری و فرهنگ حاکم بر سازمان پلیس از جمله عوامل عمده تأثیرگذار بر احتمال شناسایی و دستگیری مجرمان است. سیاست حاکم بر دادسراها و نهادهای مسؤوّل تعقیب کیفری نیز دارای پیامدهای مشابهی است. اتخاذ روی‌کرد موقعیت‌داشتن یا به مصلحت بودن تعقیب کیفری و ترک تعقیب و انصراف از آن در صورت به

مصلحت نبودن تعقیب از سوی دادستان و نمایندگان قانونی وی موجب کاهش میزان محکومیت دوباره خواهد شد. از این رو، در ارزیابی میزان اثربخشی کیفرها باید این تفاوت‌ها و بازتاب آن در حوزه میزان محکومیت دوباره مورد توجه قرار گیرد.

روی کرد قوه قضائیه ایران به سیاست‌های حبس‌زدایی، قضا‌زدایی، کیفرزدایی و کاهش جمعیت کیفری در چند سال اخیر از این دیدگاه محل تأمل و تحقیق است. نادیده گرفتن تفاوت‌های آماری موجود میان محکومیت دوباره در چند سال اخیر نسبت به سال‌های پیش از آن ممکن است پژوهشگران را به سوی ارائه آمار و اطلاعات اغراق‌آمیز و غیرواقعی در زمینه میزان اثربخشی تدابیر جایگزین حبس سوق دهد.

ح. فقدان دسترسی به بایگانی جنائی معتبر

مطالعات مبتنی بر معیار محکومیت دوباره مستلزم دسترسی به بانک اطلاعاتی معتبر در زمینه پیشینه کیفری محکومان است. اگرچه استفاده از ظرفیت‌های فناوری اطلاعات در دهه‌های اخیر کار دسترسی به پیشینه کیفری مجرمان را آسان‌تر ساخته است اما، بررسی‌ها حاکی از آن است که معمولاً درصدی از این اطلاعات به دلایل گوناگون از بین می‌رود و امکان دسترسی به آن وجود ندارد. در نظام‌های عدالت کیفری مانند ایران که فاقد یک نظام آماری معتبر در مورد محکومیت‌ها است، به کارگیری این شاخص، نتایج ارزیابی کیفرهای اجتماع‌محور را با ابهام‌های بیش‌تری روبه‌رو می‌کند. در حال حاضر، آیین‌نامه سبج قضائی که چگونگی ثبت و ضبط محکومیت‌ها را مشخص می‌کند در اکثر مناطق کشور به طور هماهنگ و یکسان اجرا نمی‌شود. بایگانی جنائی مربوط به پیشینه کیفری افراد در اداره تشخیص هویت نیز محدود به متهمان و مجرمانی است که به هر دلیل وارد زندان شده‌اند و بایگانی جنائی معتبری در مورد پیشینه محکومیت به شلاق، جزای نقدی و تبعید و کیفرهای غیر از حبس به طور متمرکز وجود ندارد.

این وضعیت اعتبار طرح‌های ارزیابی میزان اثربخشی ضمانت اجرای کیفی را که مبتنی بر داده‌های بایگانی جنائی است، خدشه‌دار می‌سازد.

ط. نادیده انگاشتن ضعف‌ها و نارسایی‌های اجرائی

ارزیابی کیفیت‌ها براساس محکومیت دوباره مجرم، بدون در نظر گرفتن اطلاعات سخت‌افزاری مربوط به چگونگی اجرای کیفیت‌ها و نهاد مجری آن، منجر به تحلیل‌های علمی و منصفانه نخواهد شد. شکست یک برنامه اصلاحی - درمانی ممکن است به دلیل فقدان منابع مالی و انسانی لازم، اجرای ضعیف آن برنامه، عدم هماهنگی میان نهادهای مسؤوّل اجرای آن، آموزش ناکافی مجریان برنامه، ضعف مبانی نظری یا تعارض دیدگاه‌ها در مورد اهداف طرح باشد. ارزیابی ممکن است پیش از اجرای کامل برنامه‌های اصلاحی - تربیتی انجام شده باشد، که در این صورت نتایج به‌دست آمده معیار دقیقی برای سنجش میزان اثربخشی برنامه مذکور نخواهد بود (۱۰۴ : ۲). از سوی دیگر، چنانچه میزان محکومیت دوباره در مورد برخی از محکومیت‌ها یا واحدهای اجرای کیفیت‌های اجتماع‌محور بالا باشد، ناکام تلقی کردن تمام ابعاد و جنبه‌های آن محکومیت یا ناموفق خواندن دیگر مراکز مسؤوّل اجرای کیفیت‌ها ناصواب خواهد بود. برای نمونه، یکی از مطالعات انجام شده در انگلستان در این زمینه نشان داده است که به طور میانگین ۶۳ درصد از بهره‌وران تعلیق مراقبتی مشمول محکومیت دوباره قرار گرفته‌اند. اما، در میان مراکز تعلیق مراقبتی مورد مطالعه میانگین محکومیت دوباره در برخی از آنها ۷۵ درصد و بیش‌تر و در برخی دیگر از مراکز ۴۵ درصد و کم‌تر بوده است (۱۲).

این تفاوت در نتایج به‌دست آمده از اعمال کیفیت اجتماع‌محور پرسش‌های بسیاری را برمی‌انگیزد که در نظر گرفتن شاخص محکومیت دوباره موجب مغفول ماندن آنها می‌شود. بنا بر این، مطالعه میزان محکومیت دوباره در سطوح ملی بیش‌تر از آنچه برای سنجش و میزان اثربخشی کیفیت‌ها مفید باشد، شاخصی است برای بررسی عمل‌کرد نهادهای مسؤوّل اجرای این کیفیت‌ها و نتایج آن تصویر دقیق و کاملی از

واقعیت ارائه نمی‌کند. یکی از تحقیقات علمی انجام شده در ایران مقایسه تطبیقی تأثیر زندان با کیفرهای جایگزین حبس در پیش‌گیری از تکرار جرم است. در این تحقیق سازوکارهای غیرسالب آزادی مانند تعلیق اجرای کیفر به عنوان جایگزین حبس تلقی شده و نیز از شاخص تکرار جرم به مفهوم جرم‌های ارتكابی که وقوع آن محرز تلقی شده و منجر به صدور کیفرخواست شده است برای مقایسه تطبیقی میان حبس و تعلیق اجرای کیفر استفاده شده است. نتایج به‌دست آمده در این تحقیق نشان داد که میزان تکرار جرم در میان محکومان به حبس بیش‌تر از محکومانی است که اجرای کیفر آنها به حالت تعلیق درآمد است. همچنین، براساس یافته‌های این تحقیق محکومان به حبس پس از پایان محکومیت در مدت زمان کوتاه‌تری نسبت به محکومان مشمول تعلیق مرتکب تکرار جرم شده‌اند (۸۵ : ۵).

البته، به‌رغم ارزش کیفرشناختی این مطالعه تجربی در ایران، یافته‌های آن چندان علمی و دقیق به نظر نمی‌رسد. زیرا این مقایسه زمانی امکان‌پذیر است که هر دو گروه مورد مطالعه (محکومان به حبس و محکومان مشمول تعلیق) از نظر جرم ارتكابی، شدت جرم، سابقه کیفری محکوم و دیگر عوامل احتمالی تأثیرگذار بر تکرار جرم هم‌تراز یکدیگر باشند. اگر محکومان به جرم‌های خفیف‌تر با پیشینه کیفری کم‌تر مشمول تعلیق اجرای کیفر و مرتکبان جرائم شدید با پیشینه کیفری بیش‌تر مشمول حبس شوند، در این وضعیت میزان تکرار جرم نمی‌تواند ملاکی برای اثربخش نبودن کیفرهای حبس یا اثربخشی تعلیق اجرای کیفر تلقی شود. این متغیر زمانی به‌طور علمی سنجش‌پذیر است که بتوان تأثیر متغیرهای احتمالی دیگر مانند داشتن پیشینه کیفری، یا شدت جرم ارتكابی پیشین را کنترل کرد و به حداقل رسانید.

با این حال، مشکلات و محدودیت‌های مربوط به معیار محکومیت دوباره به این مفهوم نیست که دیگر نباید از این معیار در مطالعات جرم‌شناسی و کیفرشناسی استفاده کرد، بلکه هدف از توصیف محدودیت‌های این شاخص تأکید بر دقت نظر بیش‌تر در به‌کارگیری این معیار به عنوان شاخص اثربخشی است. مطالعه میزان

محکومیت دوباره زمانی می‌تواند به عنوان یکی از شاخص‌های مهم و اصلی ارزیابی کیفی‌های اجتماع‌محور مورد استفاده قرار گیرد که پژوهش‌گران درک عمیقی از محدودیت‌های این روش داشته و در ارائه نتایج تحقیق نارسایی‌های آن را مورد توجه قرار دهند. باید به خاطر داشت که شاخص‌سازی برای اندازه‌گیری و سنجش پدیده‌های اجتماعی همیشه با ابهام‌ها و چالش‌های اساسی روبه‌رو بوده است. این وضعیت توجه به دیگر روش‌های سنجش میزان اثربخشی کیفی‌ها را البته نه به عنوان جایگزین روش محکومیت دوباره بلکه در کنار و برای تکمیل آن اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. به عبارت دیگر، معیار محکومیت دوباره را نه می‌توان کنار گذاشت و نه می‌توان آن را بدون انتقاد پذیرفت.

۲. روی‌کرد ارزیابی کثرت‌گرا به کیفی‌های اجتماع‌محور

ارزیابی‌های انجام شده در مورد میزان اثربخشی گونه‌های مختلف کیفی‌های اجتماع‌محور اهمیت و ضرورت توجه به مفهوم اثربخشی از دیدگاه هر یک از کنشگران این حوزه و نیز تعیین اهداف گوناگون مورد انتظار نسبت به هر یک از کیفی‌های اجتماع‌محور را نشان می‌دهد.

برای نمونه، می‌توان به پیچیدگی‌های مربوط به خدمات اجتماع‌محور و نقش و مبانی فلسفی آن اشاره کرد. کنشگران حوزه عدالت کیفری ممکن است طیف وسیعی از اهداف اصلاحی- تربیتی، ترمیمی و تنبیهی را در این کیفر مورد توجه قرار دهند. برخی از پژوهشگران روی‌کرد کیفر خدمات اجتماع‌محور را در چهار محور خلاصه کرده اند:

الف: اداری کردن خدمات اجتماع‌محور که تأکید آن بیش‌تر بر انجام خدمات اجتماع‌محور است و مأموران تعلیق مراقبتی نقش چندانی در آن ندارند؛
ب: تقویت جنبه‌های مراقبتی خدمات اجتماع‌محور که بر نقش مراقبتی و نظارتی مأموران تعلیق مراقبتی و افزایش اختیارات آنها برای اجرای ابعاد گوناگون این خدمات تأکید می‌کند؛

ج: کیفرگرایی در خدمات اجتماع‌محور که به مفهوم سوق دادن این نهاد به سوی انجام کارهای سخت و جدی و نیز ایجاد فضایی غیر فردی و بی‌روح است که ویژگی‌های افراد مشمول این برنامه تأثیر چندانی بر شیوه اجرای آن ندارد؛
د: یکدست کردن و استانداردسازی خدمات اجتماع‌محور که منظور از آن ایجاد یک اجماع و توافق ملی در مورد نقش خدمات اجتماع‌محور و قواعد و مقررات اجرای آن است (۱۳۸: ۱۵).

پیچیدگی‌ها و دشواری‌های مربوط به چگونگی مدیریت میان اهداف و الزامات هر یک از آنها از اواسط دهه هفتاد میلادی توجه پژوهشگران کیفرشناسی را به خود جلب کرد. از دیدگاه آقای وست، مشکل اصلی چگونگی برقراری ارتباط میان اهداف مربوط به مجرمان، نهادهای مجری، و اجتماع است و سازمان‌دهندگان و مجریان و خدمات اجتماع‌محور باید بتوانند نسبت به این اهداف متفاوت بی‌طرف بمانند و از هدف خاصی جانب‌داری نکنند (۶۹: ۱۷).

کمیته خدمات اجتماع‌محور انگلستان در گزارش ملی خود یادآور شد که این کیفر در اواسط دهه هشتاد دیگر یک مفهوم روشن و آشکار نیست، بلکه بیش‌تر نظامی از فشارهای متوازن است که باید مدیریت شود. این فشارها عموماً از سوی بخش‌های اصلی این نهاد مانند ساختار سازمانی خدمات اجتماع‌محور، تأمین منابع انسانی، نهادهای پذیرنده افراد مشمول خدمات اجتماعی و ... وارد می‌شوند (۲: ۶).

بنا بر این هرگونه قضاوت و ارزیابی در مورد موفقیت‌آمیز بودن برنامه‌های خدمات اجتماع‌محور منوط به این است که تمرکز پژوهش‌گر یا نهاد ارزیابی‌کننده بر کدام یک از اهداف این کیفر باشد. در تحقیقات ارزیابی‌کننده اغلب دیدگاه‌های گوناگون کنشگران و سهام‌داران حوزه خدمات - از جمله نهادهای مسؤؤل اجرای خدمات اجتماع‌محور - مطرح می‌شود تا شناسایی معیارهایی که براساس آن بتوان میزان اثربخشی این نهاد را مورد بررسی قرار داد.

از دیدگاه گارلند، ارزیابی خدمات اجتماع‌محور از یک زاویه خاص امکان‌پذیر

نیست. پژوهشگر باید این نوع کیفی‌ها را به عنوان یک نهاد پیچیده و مرکب تلقی کند، و با به رسمیت شناختن طیف وسیعی از کارکردهای اجتماعی و کیفی که این نهاد دارد، به ارزیابی آن پردازد (۲۹۰ : ۹).

تحقیقات حوزه علوم اجتماعی، مانند علوم طبیعی انتزاعی نیستند بلکه در بسترهای سیاسی و اجتماعی انجام می‌شوند. چالش اصلی این گونه پژوهش‌ها این است که چگونه می‌توان طرح تحقیق را به گونه‌ای تدوین کرد که حساسیت‌ها و دغدغه‌های نهاد مجری خدمات اجتماعی و دیگر سهام‌داران این حوزه را مدنظر قرار دهد.

طرح‌های تحقیقاتی همیشه بر اساس عقلانیت دانشگاهی و علمی تهیه و تدوین نمی‌شود. این گونه طرح‌ها از دیدگاه هودسون در حوزه «جرم‌شناسی اداری»^۱ مطرح می‌شود (۱۰). منظور از جرم‌شناسی اداری مطالعات کاربردی‌ای است که هدف اولیه آن کمک به کارکنان و مدیران نهادهای عدالت کیفری برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری است. از این رو، تأمین بودجه این پژوهش‌ها پیش‌تر تحت تأثیر دغدغه‌های اداری و اجرائی است تا کنجکاو‌های علمی و مباحث نظری؛ هرچند در پاره‌ای از موارد ممکن است علائق و سلیقه‌های فردی پژوهشگران نیز در این مورد توجه قرار گیرد.

برای نمونه، آقای هودسون در تشریح پژوهش‌های انجام شده در مورد نژاد و عدالت کیفری یادآور می‌شود که این تحقیقات به اندازه کافی بر فهم جرم‌شناختی از موضوع پایه‌گذاری نشده است. هر چند این امر لزوماً به مفهوم فقدان مبانی نظری جرم‌شناسی در تمام پژوهش‌های جرم‌شناسی اداری نیست. ارزیابی بسیاری از اقدامات و تدابیر کیفری از دیدگاه جرم‌شناسی اداری خلأها و نارسایی‌های نظری و ایدئولوژیک این مداخله‌ها را آشکار ساخته است.

شاید به همین دلیل است که امروزه بخشی از پژوهش‌های ارزیابی‌کننده تحت تأثیر الگوهای «ارزیابی کثرت‌گرا»^۲ قرار دارند (۳۳ : ۸). در گذشته، تحقیقات

1. administrative Criminology
2. pluralistic evaluation

ارزیابی‌کننده مستلزم اتفاق نظر تمام اعضای درون یک سازمان نسبت به معیارهای موفقیت و اثربخشی بود. اما ارزیابی کثرت‌گرا این واقعیت را می‌پذیرد که در بیش‌تر موارد اتفاق نظری در مورد معیارهای موفقیت وجود ندارد. در این روی‌کرد به جای تلاش برای ایجاد توافق تصنعی و غیرواقعی یا به فراموشی سپردن اهداف دیگر سهام‌داران عدالت‌کیفری، باید این معیارهای چندگانه و احتمالاً ناسازگار برای سنجش میزان موفقیت را در فرایند ارزیابی گنجانند و مورد توجه قرار داد.

مطالعات دیگری که در این زمینه انجام شده است از الگوهای ارزیابی که «واقع‌گرایی علمی»^۱ خوانده می‌شود، الهام گرفته‌اند. براساس این الگو، دستیابی به اطلاعات مربوط به میزان اثربخشی به تنهایی کافی نیست و پس از ارزیابی باید بتوان علت یا فقدان اثربخشی یک برنامه را مشخص کرد. در این روی‌کرد پژوهشگر باید ابزارهای سنجش و شناسایی دلایل موفقیت یا عدم موفقیت را در طرح تحقیق بگنجانند. الگوی «ارزیابی واقع‌گرایی علمی» با نظریه‌های مربوط به اینکه چه عواملی موجب اثربخش بودن یک اقدام یا برنامه می‌شوند آغاز می‌شود و با نظریه‌های مربوط به شرایط و بستری که ایده‌ها می‌توانند در آن شکل عملی به‌خود بگیرند، تداوم می‌یابد (۲۹۲ : ۱۴).

تمام الگوهای ارزیابی به‌ویژه مطالعات ارزیابی‌کننده در حوزه عدالت‌کیفری بر پیچیدگی کار و به‌ویژه مشکلات مربوط به تفسیر نتایج به‌دست آمده و کاربرد آن در سیاست‌گذاری و اجرا دلالت دارند. از این رو، در ارزیابی موضوعاتی مانند خدمات اجتماعی به دلیل طیف وسیع سهام‌داران، تعاریف و معیارهای متفاوت آنها از میزان موفقیت، و نیز گوناگونی عوامل تأثیرگذار بر میزان اثربخشی آن، اتخاذ روی‌کردی واقع‌بینانه و چندگانه اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

ارزیابی دیگر گونه‌های کیفرهای اجتماع‌محور مانند تعلیق مراقبتی که علاوه بر جنبه‌های عدالت‌کیفری دارای اهداف اجتماعی‌اند نیز کماکان با چالش‌های

مشابهی روبه‌رو است. از مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به مشکلات مربوط به چگونگی ایجاد توافق در مورد اهداف این تدابیر، تردیدها و ابهامات مربوط به امکان دستیابی به اهداف آن، و تعریف شاخص‌های ارزیابی سنجش‌پذیر اشاره کرد. به‌رغم تحولات رخ داده در حوزه اهداف کیفی‌های اجتماع‌محور، رقابت میان اهداف عدالت‌کیفری با اهداف عدالت اجتماعی همچنان به قوت خود باقی است. از این‌رو، پژوهش در مورد میزان اثربخشی این تدابیر نباید صرفاً به عنوان ابزار فنی ارائه خدمات بهتر تلقی شود، بلکه سنجش اثربخشی در واقع روشی برای مشارکت فعال در حوزه توسعه و اصلاح عدالت کیفری است. دست‌اندرکاران تهیه و تدوین طرح‌های پژوهشی در حوزه ارزیابی باید با در نظر گرفتن گونه‌های مختلف شاخص اثربخشی و ارزیابی فرایند در کنار معیارهای سنتی مانند کاهش میزان بزه‌کاری دوباره بر این نکته تأکید ورزند که پژوهش در مورد اهداف عدالت کیفری هیچ‌گونه تضادی و مغایرتی با سنجش اهداف عدالت اجتماعی ندارد.

۳. نتیجه

سیاست‌گذاران و مدیران سیاست‌جنائی از سوی افکار عمومی و رسانه‌ها همواره در معرض فشار ناشی از ناکارآمدی و هزینه‌های هنگفت سیاست‌ها و برنامه‌های عدالت کیفری قرار داشته‌اند. به دلیل انتظارات عمومی از نهادهای کنترل جرم برای مبارزه شدید و قاطع با جرائم و فقدان جنبه‌های سزاگرایانه و سرکوبگرانه در کیفی‌های اجتماع‌محور، این نوع ضمانت اجراها بیش‌تر از سایر برنامه‌های عدالت کیفری در معرض اتهام عدم اثربخشی و ناکارآمدی بوده‌اند.

ادبیات موجود در زمینه شاخص‌های سنجش میزان دستیابی به اهداف کیفری به‌ویژه کیفی‌های اجتماع‌محور در طول چندسال اخیر دچار تحولات اساسی شده است. به موازات آن، اهمیت «ارزیابی فرایند» به عنوان ابزاری برای ایجاد بستریایی که در آن نتیجه مداخله‌های عدالت کیفری بهتر فهمیده می‌شود، به‌طور روزافزون مورد توجه قرار گرفته است.

ارزیابی علمی و دقیق کیفی‌های اجتماع‌محور مستلزم انتخاب طرح تحقیق با ماهیتی کثرت‌گراست. این طرح باید به گونه‌ای که دغدغه تمام سهام‌داران این حوزه از جمله مجرمان، کارکنان نهادهای مجری طرح، قضات و مقام‌های قضائی مسؤل تعیین کیفر، بزه‌دیدگان، سیاست‌گذاران، افراد اجتماع و تمام کسانی که ممکن است دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به معیارهای موفقیت کیفی‌های اجتماع‌محور داشته باشند، را مدنظر قرار دهد.

تعیین طیف وسیعی از شاخص‌های اثربخشی مانند تأثیر این تدابیر بر نظام عدالت کیفری، میزان مساعدت و کمک این برنامه‌ها به حل مشکل بزه‌کاران، دیدگاه‌های مردم و نیز تفسیری دقیق از داده‌ها و اطلاعات مربوط به محکومیت دوباره و تکرار جرم نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علاوه بر این، آگاهی از بسترها و زمینه‌های توسعه و اجرای طرح شامل امکان‌سنجی اجرای طرح توسط سازمان مجری یکی از پیش‌شرط‌های اساسی ارزیابی کیفی‌های اجتماع‌محور است. میزان اثربخشی کیفی‌های اجتماع‌محور ممکن است بیش‌تر از آنکه تحت تأثیر طراحی مناسب این برنامه باشد، از عوامل سازمانی مانند ظرفیت سازمانی برای اجرای طرح و ارزیابی نوآوری‌ها و ابتکارها در این زمینه تأثیر پذیرد.

از آنجا که مداخله‌های کیفی‌های اجتماع‌محور در یک فضای انتزاعی اتفاق نمی‌افتد، درک مشکلات اجتماعی که مجرمان در عمل به آن روبه‌رو هستند و اینکه از نظر آنها چه چیز پیشرفت و اصلاح محسوب می‌شود، بسیار مهم است. تلاش نظام‌مند برای تهیه اطلاعات و توصیف ورودی‌های کیفی‌های اجتماع‌محور و ارتباط آن با نتایج و مطالعات انجام شده در گذشته به گونه‌ای بود که بررسی ارتباط میان ویژگی‌های افراد مشمول این کیفی‌ها و نتایج آن به سختی امکان‌پذیر بود. طراحی برنامه‌های ارزیابی ساختارمند و ایجاد انسجام برنامه‌ای فرصت مناسبی را برای اتخاذ روی‌کردی مؤثرتر نسبت به این مشکل فراهم می‌آورد.

فهرست منابع

۱. طبرسی، غلامرضا؛ ارزیابی عملکرد سازمانهای دولتی؛ مجموعه مقاله‌های همایش «ارزیابی عملکرد دستگاههای اجرایی کشور» کمیسیون ارزیابی عملکرد، شهریور ۱۳۷۸.
۲. غلامی، حسین؛ ارزیابی جرم‌شناختی دو نهاد حقوق کیفری، تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط؛ مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۵، سال ۱۳۸۳.
۳. فرجیها، محمد؛ ارزیابی مداخله پلیس در کنترل بازارهای خرید و فروش مواد مخدر؛ مجموعه مقالات علوم جنائی، انتشارات سلسبیل، جلد دوم، چاپ اول، سال ۱۳۸۴.
۴. فرجیها، محمد؛ جنبه‌هایی از تأثیر یافته‌های جرم‌شناسی بر سیاست جنائی؛ فصلنامه علمی پژوهشی مدرس، دوره هفتم، شماره اول، سال ۱۳۸۲.
۵. محدث، محسن؛ مقایسه تطبیقی تأثیر مجازات زندان با مجازات‌های جایگزین در پیش‌گیری از تکرار جرم؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد، سال ۱۳۸۴.
6. Adair, H., et al; **Community Service in The 80's**; Report of the ACOP National Community Service survey, Acop, Wakefield, 1987.
7. Brody, S. **The Effectiveness of Sentencing: a Review of The Literature**; Home Office Research Study. No, 35, HMSO, London, 1976.
8. Cheetham, J. et al; **Evaluating Social Work Effectiveness**; Open University Press, Buckingham, 1992.
9. Garland, D.; **Punishment and Modern Society: A study in Social Theory**; Oxford University Press, Oxford, 1990.
10. Hudson, B.; **Racism and Criminology, Concepts and Controversies**; in D. cook and H. Hudson (eds.) Racism & Criminology, London: Sage, 1993.
11. Losel, F.; **The Efficacy of Correctional Treatment: A Review and Synthesis of Meta – Evaluation**; in J. Mc Guire (ed.) What Works: Reducing Reoffending, John Wiley, London, 1995.
12. Mair, G. & Nee, C.; **Day Centre Reconviction Rates, British Journal of Criminology**; 1992.
13. Maltz, M.; **Recidivism**; Academic Press. London, 1984.
14. Pawson, R. & Tilley, N.; **What Work in Evaluation Research**; British Journal of Criminology, 1994.
15. Pease K. & Mc Williams W. **Community Service by Order**; Scottish Academic Press. Edinburgh, 1980.
16. **UNICRI Criminal Victimization on the the Developing World**; United Nations Interregional Crime and Justice Research Institute, Publication No. 55, 1995.
17. West, J.; **Community Service Order**; in J.F.S. King (ed) Control Without Custody, Combridge: University of Cambridge, 1976.
18. Williams, K.S.; **The Text Book on Criminology**; 5 th edition, Oxford: Oxford University Press, 2004.

کتاب‌شناسی

۱. آشوری، محمد؛ جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین؛ چاپ اول، نشر گرایش، سال ۱۳۸۲.
۲. قاسمی مقدم، حسن؛ ارزیابی میزان اثربخشی مجازات‌های اجتماعی در ایران انگلستان و ایالات متحده امریکا؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تابستان ۱۳۸۵.
3. Mair, C. et al; **The Limitatims of Reconviction Rate**; in G. Mair, Evaluating The Effectiveness of Community Penalties, Aldershot: Avebury, 1997.

